

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۲ تا ۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اسلام و بودیسم درباره ازدواج،

سقط جنین و مرگ بی‌درد

فاطمه سادات تولایی^۱

کارشناسی ارشد مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، گروه مطالعات زنان، دانشکده سبک
زندگی اسلامی ایرانی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مقایسه دیدگاه‌های دین اسلام و بودایسم در سه حوزه متفاوت ازدواج و خانواده سقط جنین و مرگ بی‌درد می‌پردازد هدف این پژوهش تحلیل مقایسه‌ای اصول اخلاقی و اجتماعی این دو دین در مواجهه با چالش‌های مربوط با سه حوزه یاد شده و تبیین تاثیرات این دیدگاه‌ها بر سبک زندگی پیروان آنهاست این مطالعه با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دینی و فلسفی اسلام و بودا و مقایسه آموزه‌های اساسی این دو ادیان در سه حوزه یاد شده می‌پردازد بررسی‌ها نشان داده است که اسلام با تاکید بر جایگاه الهی حیات و مسئولیت‌های اجتماعی اصولی همچون تقدس ازدواج منع سقط جنین و مخالفت با مرگ بی‌درد را بیان می‌دارد از سوی دیگر بودیسم با محوریت کارما و نیت فردی دارای نگرشی فلسفی به این دسته از مسائل است در موضوع سقط جنین اسلام بر قداست حیات انسانی تاکید کرده و چنین عملی را تنها در شرایطی مجاز می‌شمارد که جان مادر به طور جد تهدید گردد در حالی که بودیسم نیز سقط جنین را نوعی قطع حیات دانسته و ضمن تاکید بر پرهیز از انجام این کار به شرایط ویژه‌ای که نیازمند تصمیم‌گیری اخلاقی پیچیده است توجه دارد در خصوص موضوع خاص مرگ بی‌درد اسلام آن را نقض اراده الهی و آزمونی برای ایمان و تقوا می‌داند این در حالیست که بودیسم تمرکز خود را بر استمرار کارمای فرد و اهمیت داشتن نیت آن فرد از اجرای مرگ بی‌درد در نظر می‌گیرد و این صورت مرگ بی‌درد را به عنوان راه حلی برای گریز از رنج رد می‌کند.

واژگان کلیدی: اسلام، بودیسم، اخلاق، ازدواج، سقط جنین، مرگ بی‌درد.

^۱ نویسنده مسئول: matinsadattvl@gmail.com

مقدمه

ادیان همواره نقش بنیادینی در شکل دهی و قوام بخشی به نظام‌های اخلاقی اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده‌اند بررسی تطبیقی آموزه‌های ادیان گوناگون نیز ما را به فهم عمیق‌تر چنین مفاهیمی رهنمون می‌سازند همچنین زمینه‌ای برای همافزایی و درک متقابل میان فرهنگ‌ها و نظام‌های اعتقادی نیز پدید می‌آورند قاله پیش رو به مقایسه دیدگاه‌های دو دین اسلام و بودیسم در سه حوزه کلیدی ازدواج و خانواده سقط جنین و مرگ بی‌درد می‌پردازد اسلام دینیست توحیدی که مبانی آن ناظر بر وحی الهی می‌باشد و بر همین اساس نظامی جامع برای تنظیم زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها ارائه می‌دهد در چنین نظامی جایگاه خانواده حرمت حیات و آزمون‌های الهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند در مقابل بودیسم که دینی فلسفی و غیر وحدانیست بر اصول اخلاقی چون کارما و چرخه تولد و مرگ تاکید دارد و نگاهی فلسفی به مسائل اخلاقی و اجتماعی می‌اندازد بررسی مقایسه این دو دین از آن جهت حائز اهمیت و درخور توجه است که به روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های آنها در در حوزه‌های یاد شده منجر می‌شود و راه را برای تحلیل فرهنگ‌ها و سبک زندگی‌ها در پیروان این دو دین باز می‌کند یکی از دلایل انتخاب این سه حوزه پررنگ ازدواج و خانواده در ساختارهای اجتماعی و چالش‌های اخلاقی مربوط به سقط جنین و پیچیدگی‌ها و دشواری‌های اخلاقی پیرامون مرگ بی‌درد است این مسائل در اکثریت جوامع امروزی با توجه به تغییرات فرهنگی و مدرنیزاسیون مورد بحث و مناقشه قرار گرفته‌اند سوال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است این است که دیدگاه اسلام و بودیسم در زمینه ازدواج و خانواده سقط جنین و مرگ بی‌درد چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد و چگونه این دیدگاه‌ها بر سبک زندگی پیروان آنها اثر می‌گذارد پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و با استفاده از منابع دینی متون فلسفی و پژوهش‌های معتبر در زمینه اسلام و بودیسم به تحلیلی مقایسه‌ای در این سه حوزه پرداخته است.

بیان مسئله

در دوران معاصر، به علت گسترش ارتباطات جهانی و افزایش گفت و گوی میان فرهنگی، شناخت مقایسه‌ای میان نظام‌های اخلاقی و دینی به امری ضروری بدل گشته است. مواردی چون ازدواج، سقط جنین و مرگ بی‌درد مسائلی بنیادین هستند که ابعاد فردی، اجتماعی و الهی انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. با توجه به اینکه این مسائل به صورت مستقیم با حیات، رنج، اختیار و مسئولیت انسان مرتبط هستند، کنکاش دیدگاه ادیان بزرگ درباره آنها می‌تواند به فهمی عمیق‌تر از مبانی انسان شناختی و ارزش مدارانه هر دین بینجامد. اسلام و بودیسم دو دینی هستند که دارای دو نظام دینی و معنوی متفاوت با جهان بینی‌های متفاوت اند؛ به همین دلیل نگرش‌های خاص خود را به این سه مسئله متوجه می‌سازند. در اسلام، چنین مسائلی عموماً در بستر شریعت و با تاکید بر وحی، اهمیت وظایف و تکالیف و حرمت جان انسان مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ این در حالی است بودیسم، بر اصولی چون کارما، عدم آزار و اذیت دیگران و رهایی از رنج تفسیرهای

متفاوت و گاه متغیری ارائه می‌دهد. وجود تفاوت بنیادین در مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و اخلاقی این دو سنت فکری مقایسه آنها را از منظر معنوی و فرهنگی پربار می‌سازد. این پژوهش در پی آن است که بیان کند که چگونه اسلام و بودیسم مفهوم ازدواج را تعریف می‌کنند، و اینکه ازدواج چه تاثیری بر نهاد خانواده و جامعه دارد. همچنین موضوع سقط جنین چه جایگاهی در این دو نظام فکری دارد و ارتباط اختیار انسان با سقط جنین به چه صورت است. از دیگر سو، مرگ بی‌درد یا اتانازی نیز به عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل اخلاق زیستی، در این دو سنت چه جایگاهی دارد، و چگونه تفسیر می‌شود. امید است بررسی مقایسه‌ای این پژوهش بتواند بستری مناسب برای گفتگو و فهم متقابل میان فرهنگی فراهم آورد و همچنین به روشنتر شدن جایگاه انسان در مواجهه با مهم‌ترین تصمیمات حیات فردی و اجتماعی‌اش کمک کند.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی پنج حوزه ازدواج، خانواده، انحلال نکاح، سقط جنین و مرگ بی‌درد در ادیان مختلف پرداخته‌اند. در این بخش، به اختصار به برخی از این پژوهش‌ها و نتایج آنها اشاره می‌شود.

حجت الاسلام عباس نیکزاد و سید غلامعلی جورسرای در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی»، به تحلیل این موضوع از منظر حرمت ذاتی و قداست حیات انسانی پرداخته‌اند. نویسندگان با استناد به آیات قرآن، احادیث و آرای فقها تأکید می‌کنند که در فقه شیعه، سقط جنین به طور کلی حرام است؛ زیرا زندگی انسان امانتی الهی است که نباید بدون دلیل موجه مورد تعدی قرار گیرد. با این حال، در شرایط استثنایی مانند تهدید جدی برای جان مادر، امکان صدور جواز سقط جنین وجود دارد. این پژوهش نتیجه‌گیری می‌کند که سقط جنین نه تنها یک عمل غیر اخلاقی، بلکه تخطی آشکار از قوانین شرعی است.

در پژوهشی دیگر، منصوره و مژگان امیریان زاده در مقاله‌ای با عنوان «ازدواج از دیدگاه اسلام» به جایگاه ازدواج در فرهنگ اسلامی پرداخته‌اند. آنها ازدواج را به عنوان یکی از مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین روابط انسانی توصیف کرده‌اند که علاوه بر ابعاد معنوی، نقش اجتماعی و قانونی مهمی نیز ایفا می‌کند. با استناد به متون دینی، ازدواج در اسلام پیمانی مقدس برای ایجاد پیوندی پایدار میان جسم، روح و اندیشه‌ها است. این پژوهش بر اصولی نظیر کفو بودن زوجین، تعهد متقابل و آمادگی برای تشکیل خانواده تأکید کرده و ازدواج سالم را زمینه‌ساز پاک‌ی معنوی، کمال فردی و تقویت بنیان خانواده دانسته است.

در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مرگ در آیین بودا» نوشته جهانگیر جهانگیری، مرگ به عنوان یک پدیده فلسفی، دینی، و اجتماعی در آیین بودا بررسی شده است. این پژوهش با تحلیل مفهوم مرگ در چرخه تناسخ یا سمسارا، مرگ را به عنوان نقطه انتقال و نه پایان زندگی معرفی می‌کند. نویسندگان با تأکید بر باور به تناسخ، توضیح می‌دهد که فرهنگ بودایی مرگ را بخشی طبیعی و

اجتناب ناپذیر از زندگی می‌داند و نگرش پیروان بودا به مرگ بیشتر مبتنی بر پذیرش و رشد روحی است تا غم و اندوه.

در مقاله دیگری تحت عنوان «آیین بودا و اخلاق سقط جنین» علیرضا شجاعی به بررسی دیدگاه اخلاقی بودیسم در زمینه سقط جنین پرداخته است. این پژوهش بر اصل اهیمنسا (عدم آسیب به جانداران) که محور اصلی اخلاق بودایی است، تاکید دارد. نویسنده نشان می‌دهد که براساس آموزه‌های بودیسم، حیات از لحظه تشکیل نطفه آغاز می‌شود و هرگونه اقدام برای خاتمه دادن به آن مغایر با اصول اخلاقی و معنوی است. همچنین، سقط جنین می‌تواند عواقب دنیوی و کارمایی داشته باشد.

در نهایت زهرا هاشمی و سید محمدجواد مرتضوی، در مقاله «اتانازی از دیدگاه اسلام و اخلاق پزشکی نوین» به تحلیل مرگ بی درد پرداخته‌اند. این مقاله با بررسی دیدگاه‌های موافق و مخالف اتانازی، تاکید می‌کند که در اسلام این عمل به دلیل نقض قداست حیات انسانی مردود است. در حالیکه برخی طرفداران اتانازی آن را اقدامی انسانی برای کاهش درد و رنج می‌دانند، مخالفان آن را معادل قتل و مغایر با ارزش‌های دینی و انسانی قلمداد می‌کنند. این پژوهش‌ها با تاکید بر مبانی دینی و اخلاقی، دیدگاه‌های گوناگون را در موضوعات مورد بررسی روشن کرده و چهارچوبی برای تحلیل مقایسه‌ای فراهم می‌آورند.

مفاهیم کلیدی پژوهش

ازدواج:

واژه «ازدواج» در زبان عربی از ریشه «زَوَّج» به معنای «جفت» گرفته شده است. در اصل، این کلمه به معنای پیوند یافتن دو چیز مکمل است. در کاربرد دینی و اجتماعی، «ازدواج» به عنوان پیمانی رسمی و شرعی برای تشکیل خانواده و ادامه نسل تعریف می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل مدخل «ازدواج»).

سقط جنین:

ترکیب «سقط جنین» از دو واژه «سَقَط» به معنای افتادن یا انداختن، و «جنین» به معنای نوزاد در رحم تشکیل شده است. در لغت، سقط به معنی فرو افتادن بی‌اراده است و در اصطلاح پزشکی و فقهی به خروج غیرطبیعی یا عمدی جنین از رحم پیش از تولد اطلاق می‌شود (معین، ۱۳۸۵: ذیل واژه «سقط»).

مرگ بی درد، اتانازی:

واژه «اتانازی» از ریشه یونانی eu به معنای «خوب» و thanatos به معنای «مرگ» تشکیل شده و در مجموع به معنای «مرگ خوب» یا «مرگ آرام» است (Parrot, ۱۹۹۶: p. ۳). این واژه در متون حقوقی به پایان دادن عمدی زندگی برای کاهش درد تعبیر می‌شود. در زبان فارسی معادل‌هایی چون «مرگ آسان» و «مرگ ترحم‌آمیز» نیز برای آن به کار می‌رود.

سمسارا:

واژه «سمسارا» از زبان سانسکریت گرفته شده است و به معنای «چرخش» یا «گردش دوباره» است. سمسارا یکی از اصول بنیادین آیین بوداست و به چرخه تولد، مرگ و تولد دوباره اطلاق می‌شود. در بودیسم، این مفهوم نماد رنج مداوم است که روح انسان به دلیل جهل، دلبستگی و کارما به آن گرفتار شده و رهایی از آن تنها با رسیدن به نیروانا حاصل می‌گردد (Harvey, ۲۰۱۳: ۶۷p).

روش شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد مقایسه‌ای و روش کیفی انجام گردیده است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع دینی، فلسفی و اخلاقی اسلام و بودیسم گردآوری شده است. روش توصیفی-تحلیلی به جهت تحلیل مفاهیم و استخراج شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سه حوزه مورد نظر به کار گرفته شده است. متون اصلی دو دین که شامل قرآن، احادیث، سیره پیامبر و سوتراهای بودایی به همراه مطالعات پیشین است؛ مبنای تحلیل این پژوهش قرار گرفته‌اند.

متن اصلی

هدف این پژوهش بررسی آموزه‌های دو دین اسلام و بودیسم در سه حوزه اساسی و پرچالش- یعنی ازدواج و خانواده، سقط جنین و مرگ بی‌درد (اتانازی)- است و به دنبال تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های معرفتی، ارزشی و فقهی این دو سنت دینی است. اهمیت این موضوع از آنجاست که هر دو دین، گرچه از نظر ریشه‌های تاریخی، مبانی متافیزیکی و گستره جغرافیایی تفاوت‌های بنیادینی دارند، اما در عمل با پرسش‌های مشترکی در زمینه مناسبات خانوادگی، آغاز و پایان زندگی انسانی مواجه بوده‌اند. در طول تاریخ و با گذشت زمان؛ آموزه‌ها و مبانی بودیسم دستخوش تغییرات قرار گرفته است. این تحولات به نحوی است که در متون اولیه، به طور مثال ترک خانواده و پذیرش زندگی رهبانی به عنوان راهی برای هریابی از وابستگی‌ها توصیه می‌شد (Wilson, ۲۰۱۴, p. ۵). اما به گذشت زمان و تغییر سنت‌ها و ترکیب مفاهیم بودایی با ارزش‌های محلی مانند احترام به والدین و خانواده محوری باعث تقویت پیوندهای خانوادگی شد (WeChronicle, ۲۰۲۴) و افراد از زندگی رهبانی که در گذشته ستایش میشد فاصله گرفتند. در ژاپن، پس از دوره میجی، ازدواج راهبان قانونی شد و معابد به نهادهای خانوادگی تبدیل شدند (Covell, ۲۰۰۵, p. ۳). این تحولات نشان دهنده آن است که بودیسم، با حفظ اصول اخلاقی خود، توانسته است با شرایط فرهنگی و اجتماعی مختلف سازگار شود. در نقطه مقابل بودیسم، اسلام، از آغاز تا کنون با حفظ اصول و مبانی ثابت خود، توانسته است پاسخگوی نیازهای متغیر جوامع انسانی باشد. قرآن کریم به عنوان آخرین وحی الهی، خود را «معیار» و «تایید کننده» کتاب‌های گذشته معرفی نموده و شریعت حضرت محمد(ص) را به عنوان آخرین و کامل کننده و جهانی‌ترین شریعت معرفی می‌نماید که تا روز قیامت هم پایرجا خواهد ماند (Yaqeen Institute, ۲۰۲۰, p. ۲). بر همین اساس، فقه شیعه با تکیه بر اصل اجتهاد توانسته است با حفظ اصول خود، احکام و

دیدگاه‌های فقهی را با توجه به تحولات زمان و مکان به روز کند (آقا مجیدی، ۲۰۲۰، ص ۷۵).
اجتهاد یکی از ظرفیت‌های مهم فقه شیعه می‌باشد که با بهره‌گیری از منابع اصلی دین-قرآن، سنت، عقل و اجماع- این امکان را فراهم کرده است که اسلام بتواند در برابر پدیده‌های نوظهور، نظیر بانکداری، فناوری‌های نوین پزشکی و مسائل زنان، به طور عقلانی و شرعی پاسخگو باشد (تیموری، ۲۰۱۸، ص ۵۲). به همین جهت، اسلام از اصولی ثابت و فقهی پویا برخوردار است که نه تنها در گذر زمان متحول نگشته بلکه توانسته است در طول تاریخ، خود را به صورت کارآمد با شرایط گوناگون تطبیق دهد بی آنکه اصول آن دچار دگرگونی شود.

شباهت‌ها

ازدواج

ازدواج در هر دو آیین اسلام و بودیسم، جایگاهی والا و معنوی دارد. در بودیسم ازدواج به منزلت ورود به زندگی به عنوان مرد خانواده با پایگاه و جایگاه معنوی آن است و در اسلام نیز؛ به عنوان یکی از مقدس‌ترین روابط انسانی شناخته شده است که بر پایه تعهدات شرعی، اجتماعی و قانونی بنا می‌شود. این رابطه، بستری برای پیوند پایدار میان دو جنس مخالف است که هم به نیازهای عاطفی و جسمی پاسخ می‌دهد و هم زمینه‌ساز پاکی معنوی و رشد اخلاقی است. قرآن کریم با تأکید بر اصول هم‌کفوی و محبت میان زوجین، ازدواج را به عنوان عاملی برای تحقق آرامش و تکامل معرفی کرده است (امیریان‌زاده و امیریان‌زاده، ۱۳۹۹). اسلام ازدواج را «میثاقی غلیظ» معرفی می‌کند که نشان دهنده اهمیت و استحکام این پیوند است (قرآن، نساء، ۲۱). بودیسم نیز؛ ازدواج را قراردادی اخلاقی اجتماعی برای پرورش مهربانی و مسئولیت‌پذیری توصیه کرده است (Rahula, ۱۹۷۴, p. ۴۷). عقیده اسلام بر این است که آرامش فقط جنبه جسمی و فردی نیست بلکه از نظر روحی و اجتماعی هم تاثیر به سزایی دارد، انسان وقتی ترک ازدواج می‌کند، بیماری‌های جسمی و روحی و ناآرامی‌های روانی دچار می‌گردد و از نظر اجتماعی هم انسان محروم‌تر احساس مسئولیت می‌کند و وقتی ازدواج می‌کند، تازه وارد شخصیت جدید می‌گردد که خود را شخص مسئول در قبال خانواده و اجتماع می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۹۲). به همین ترتیب بودیسم نیز باور دارد که ازدواج باید براساس عشق و محبت یا متا صورت گیرد، آرزوی شادی و خوشبختی برای دیگران و سایر موجودات سبب می‌شود تا محیط اطرافمان همین انرژی را برای زن و شوهر به عنوان عکس‌العمل، بازتاب دهد و این امر باعث رشد و تعالی زوجین می‌شود. به علاوه، همچنین بودیسم بیان می‌دارد که ازدواج به زوجین کمک می‌کند تا کارما و کارمیک خود را اصلاح کنند، ازدواج مانند چهارچوب عمل می‌کند، فردی که در آن چهارچوب قرار گرفته، می‌تواند از روابط نامشروع بپرهیزد. (جعفری، حسین علی، ۱۳۹۰: ۱۰). اسلام، برای وفاداری میان همسران اهمیت زیادی قائل است و خیانت زناشویی را گناه بزرگی به شمار می‌آورد (Nasr, ۲۰۰۲, p. ۱۳۵). بودیسم از اصول ۵ گانه‌ای صحبت می‌کند که وظایف متقابل همسران نسبت به یکدیگر است و بیان می‌دارد که میان زن و شوهر ۵ اصل است که باید رعایت شود. پنج

اصل رفتار شوهر با زنبدین گونه است که: نسبت به زن مودب باش، او را کوچک بشمار، به او وفادار باش، به او اختیار عمل بده، علاوه بر پوشاک لازم، زیور آلات اضافی هم برای او فراهم کن. همچنین زن نیز موظف به رعایت ۵ اصل است: خانه را خوب منظم می‌کند، مهربان است، وفادار است، مراقب ثروت خانواده است، سخت کار می‌کند. (Harvey, ۲۰۰۰, p. ۶۹). این قرارداد، ابدیت و مسئولیت روابط و پذیرش یکدیگر را به عنوان همسر، توأم با تعهدی متقابل به زندگی مشترک بر طبق تعالیم اسلام، تثبیت می‌کند. اسلام و بودیسم هر دو رضایت در ازدواج را شرط می‌دانند به طوری که در اسلام، رضایت طرفین شرط صحت عقد است و ازدواج اجباری باطل است (Iqbal, ۲۰۰۲, p. ۷۸). و بودیسم نیز، ازدواج اجباری را خلاف اصل کرامت انسانی و آزادی دانسته است (Gethin, ۱۹۹۸, p. ۸۵).

خانواده

اسلام و بودیسم در آموزه‌های خود خانواده را نهادی اساسی و ریشه‌دار در تربیت اخلاقی و اجتماعی انسان به شمار می‌آورند. در آموزه‌های این دو دین محبت و شفقت به عنوان پایه‌های اصلی روابط خانوادگی حائز اهمیت فراوان است. بودائی‌ان جایگاه بسیار والایی برای مادران و محبت مادر نسبت به فرزند قائل هستند. آنها خانواده را مرکز پشتیبانی اعضای آن از یکدیگر می‌دانند و معتقدند خانواده‌ای که اعضای آن با یکدیگر صمیمی هستند و دست در دست یکدیگر دارند، چون جنگلی است که درختان آن می‌توانند در مقابل باد بایستند. بودائی‌ان برترین نعمت‌ها را مراقبت از والدین و محبت به همسر و فرزند می‌دانند (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۵). محبت و مهرورزی از عوامل اصلی تحکیم بنیان خانواده در اسلام هستند (قلیچ لی، ۱۳۹۴، ص ۱۵). در اسلام نیز پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند و هنگامی که به سنین بالاتر می‌رسند و قوه حیات آنها تقلیل می‌یابد؛ دیگر اعضای خانواده یعنی فرزندان از آنها مراقبت می‌کنند. فرزندان مسلمانان این عمل را هرچقدر هم که شاق باشد باری بر روی دوش خود ندانسته و آن را جزئی از امانت الهی تلقی می‌کنند و بدین ترتیب محبت و رحمت و دلسوزی متقابل میان والدین و فرزندان در سراسر زندگی تداوم می‌یابد. حتی بعد از فوت والدین نیز فرزندان با دعای خیر و طلب رحمت برای آنانبرامزار آنها رفتن و خیرات دادن از خدا می‌خواهند که آنها را رحمت کند (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۴۲۶). در همین راستا، تاکید بر محبت و شفقت در روابط خانوادگی نیز در هر دو دین برجسته می‌باشد. در بودیسم، مفهوم «متا» (محبت بی قید و شرط) نقشی مرکزی در روابط انسانی دارد. در اسلام نیز، محبت و رحمت بین اعضای خانواده توضیح شده است (Study Buddhism. n.d). همچنین؛ تربیت اخلاقی فرزندان از دیگر ارزش‌های مشترک میان این دو سنت است. در هر دو دین، خانواده به عنوان محیطی برای تربیت اخلاقی فرزندان شناخته می‌شود. در اسلام، والدین مسئول تربیت دینی و اخلاقی فرزندان هستند. در بودیسم نیز، آموزش اصول اخلاقی به کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است (Keown, ۲۰۰۵, p. ۱۱۲). در حوزه روابط زناشویی نیز، وفاداری و صداقت به عنوان اصول بنیادین تلقی می‌شوند. هر دو دین بر وفاداری و صداقت بین همسران تاکید دارند. در هر دو دین خیانت

زناشویی را گناه بزرگی محسوب کرده که به بنیان خانواده لطمه وارد می‌سازد. در بودیسم، یکی از اصول پنجگانه اخلاقی، اجتناب از رفتار ناصحیحی جنسی است که وفاداری در ازدواج را در بر می‌گیرد (Harvey, ۲۰۰۰ p. ۶۹۰). در نهایت، احترام به والدین و بزرگترها نیز از اصول اساسی در آموزه‌های اسلامی و بودایی است. در اسلام، احترام به والدین از واجبات دینی است. در بودیسم احترام به والدین از واجبات دینی است. در بودیسم نیز، احترام به والدین و معلمان از اصول اخلاقی مهمی محسوب می‌شوند (Rahula, ۱۹۷۴ p. ۴۷).

انحلال نکاح

با نگاهی به دیدگاه اسلام و بودیسم درباره انحلال نکاح، می‌توان دریافت که هر دو دین، در عین پذیرش امکان طلاق، اصل را بر تداوم روابط زناشویی گذاشته‌اند و بر اجتناب از گسستن این پیوند تأکید دارند. در دین بودا آمده است: «از آنجا که ازدواج متضمن پذیرش تعهداتی متقابل است، باید تا آنجا که ممکن است از انقطاع این روابط و صدمات ناشی از آن اجتناب شود. ثبات در جامعه، برای تأمین سعادت همه، حائز اهمیت است و واحد خانواده کانون این ثبات محسوب می‌گردد» (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۶). در همین راستا، اسلام نیز تأکید دارد که «گاه شرایطی پیش می‌آید که حتی بهترین مشارکت‌ها نیز فسخ می‌گردد و ازدواج هم از چنین چیزی مستثنی نیست... بنابراین اگرچه اسلام دائمی بودن و تداوم ازدواج را مسلم می‌شمارد، ولی احتمال انحلال آن را نیز مردود نمی‌داند. طلاق ابغض حلال‌ها در نزد خداست» (منسکی و دیگران، ۴۲۷). به علاوه هر دو دین بر اهمیت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و پرهیز از آسیب به یکدیگر تأکید دارند. در اسلام، توصیه می‌شود که در صورت بروز اختلاف، داورانی از خانواده‌های طرفین برای میانجی‌گری انتخاب شوند تا از جدایی جلوگیری شود (Brandeis, n.d). در بودیسم نیز، اگر زندگی مشترک باعث رنج و ناراحتی شود، جدایی مسالمت‌آمیز بهتر از ادامه یک زندگی پرتنش است (Buddhism Info, n.d) از این رو، هر دو دیدگاه، در پذیرش واقع‌گرایانه امکان پایان یافتن روابط زناشویی، با یکدیگر هم‌نظرند.

سقط جنین

مسئله سقط جنین هم در آیین بودایی و هم در دین اسلام با دیدگاهی اخلاقی و همراه با حرمت جدی نسبت به جان انسان مورد توجه قرار گرفته است. در آیین بودا، به اعتقاد بودائیان، هستی با بسته شدن نطفه آغاز می‌شود و بنابراین سقط جنین مسلماً گرفتن یک زندگی است که باید از آن پرهیز نمود. گرفتن جان برای کسانی که این تصمیم را می‌گیرند، اخلاقاً مضر است. در نگاه مکتب هینه‌یانه، سقط جنین عملی است به شدت خطا که با اخلاق شراوکه‌ها (= پیروان مکتب هینه‌یانه) ناسازگار است و همچنین با آموزه‌های «کرونا» یا مهر و غمخواری یا خیرخواهی برای همه جانداران در مه‌یانه جمع نمی‌شود. افزون بر این، انجام دادن یا حتی توصیه به سقط جنین به عنوان یک کردار بد در نظر گرفته می‌شود (Stott, ۱۹۸۶ p. ۱۵). این دیدگاه، با تأکید بر اصل «اهیمسا» یا عدم آسیب‌رساندن به موجودات زنده، بر مسئولیت اخلاقی فرد نسبت به حفظ حیات دیگران استوار است.

در اسلام نیز حفظ حیات جنین از لحظه انعقاد نطفه مورد تأکید قرار گرفته است. از نگاه اسلامی، سقط جنین نه تنها امری ناپسند است بلکه برای آن مجازات نیز تعیین شده است. روایات بسیاری در این باره وجود دارد که به حد تواتر رسیده است (حرعاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۹، ص ۲۳۷-۲۴۷). در آیه‌ای از قرآن کریم این موضوع به صراحت آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ...» (ممتحنه، ۱۲). این آیه در بیان شرایطی برای زنان بیعت‌کننده با پیامبر (ص) است که از جمله آن شرایط، خودداری از سقط و قتل فرزند عنوان شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۳۰۸). براین اساس، براساس حرمت قتل هر مسلمان - بلکه هر شخص محقون‌الدم - سقط جنین پیش از دمیده شدن روح و حتی زمانی که جنین در مرحله علقه یا مضغه است نیز ملحق به قتل محسوب می‌شود (حسینی سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰).

شایان توجه است که در فقه اسلامی، زندگی انسان حتی در مراحل ابتدایی تشکیل جنین به عنوان امانتی الهی تلقی می‌شود و سقط جنین تنها در شرایط استثنایی مانند خطر جدی برای جان مادر مجاز شمرده شده است (نیکزاد، عباس؛ جورسرای، غلامعلی، ۱۳۹۳). این دیدگاه مشابه با آموزه‌های بودایی است که در آن نیز هرگونه آسیب‌رسانی به حیات، به عنوان عملی با پیامدهای منفی اخلاقی و کارمایی در نظر گرفته می‌شود.

اصولاً تصمیم‌گیری درباره داشتن یا نداشتن فرزند باید پیش از بارداری انجام شود. اما گاه این امر نادیده گرفته می‌شود و پس از انعقاد نطفه، به دلایل مختلفی مانند تنظیم خانواده و داشتن فرزند کمتر، مخفی نمودن روابط جنسی نامشروع، یا گریز از بارداری ناخواسته، افراد مبادرت به سقط جنین می‌کنند. این انگیزه‌ها از دیدگاه اسلامی نامشروع و ناپسند به شمار می‌روند و در آیین بودایی نیز به دلیل تبعیت از امیال نفسانی و بی‌توجهی به حرمت حیات، دارای نتایج منفی کارمایی هستند.

در مجموع، در هر دو دین، سقط جنین به عنوان تجاوز به حق حیات و امری غیراخلاقی شناخته شده و تنها در موارد بسیار محدود و استثنایی ممکن است مورد ملاحظه قرار گیرد. این شباهت مهم نشان می‌دهد که هر دو سنت دینی، زندگی انسان را از بدو تشکیل نطفه دارای ارزش ذاتی می‌دانند و حرمت آن را پاس می‌دارند.

مرگ بی‌درد

مرگ بی‌درد یا اتانازی به معنای پایان دادن به زندگی به منظور کاهش رنج و می‌باشد و در اسلام و هم بودیسم با نگرشی به شدت انتقادی مواجه شده است. در هر دو دین، اصلی بنیادین استوار است که بر قداست حیات تأکید می‌ورزد و در آن، اقدام به پایان دادن به زندگی حتی با نیت خیر، مردود شمرده می‌شود.

در وهله اول، پایان دادن عامدانه به زندگی حتی با هدف کاهش درد و رنج ممنوع است. در آیین بودیسم، مرگ بی‌درد برخلاف اصل بنیادین "اهیمسا" یعنی آزار نرساندن به موجودات زنده تلقی می‌شود. رنج بخشی از چرخه طبیعی حیات است که باید با پذیرش و صبوری با آن مواجه شد و

هرگونه تلاش برای کوتاه کردن عمر، می‌تواند پیامدهای معنوی و کارمایی منفی به دنبال داشته باشد (موسوی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۹۱). در اسلام نیز این قاعده پابرجاست؛ بر این اساس که مرگ تنها به فرمان خداوند رخ می‌دهد و انسان نه مجاز به گرفتن جان خود است و نه جان دیگران. مسلمان موظف است با خوش‌بینی به زندگی بنگرد و در برابر دشواری‌ها تسلیم نشود (منسکی و دیگران، ص ۴۴۳). از سوی دیگر، هر دو آیین، زندگی انسانی را ارزشمند و مقدس می‌دانند. در بودیسم، حیات یک موجود زنده به‌عنوان بخشی از روند تناسخ و حرکت کارمایی در نظر گرفته می‌شود و نباید با مداخله غیرطبیعی قطع گردد (موسوی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۹۱). در همین راستا، فرهنگ بودایی بر انجام مناسک آرامش‌بخش برای فرد در حال مرگ تأکید می‌کند و بر اهمیت پذیرش مرگ طبیعی صحنه می‌گذارد. در اسلام نیز زندگی انسان امانتی الهی است که خداوند به او عطا کرده و انسان مالک آن نیست. به همین دلیل، انسان حق نابودی این امانت را ندارد و باید آن را تا لحظه‌ای که خداوند مقرر داشته، حفظ کند (منسکی و دیگران، ۴۴۳).

همچنین در هر دو دین، رنج و آلام بخشی طبیعی از حیات تلقی می‌شوند که باید با صبوری پذیرفته شوند. بودیسم با تأکید بر این نکته که مرگ بی‌درد فرار از رنج نیست بلکه انتقال به زندگی بعدی با پیامدهای کارمایی منفی است، پذیرش مسئولیت در برابر زندگی و مرگ را آموزش می‌دهد (موسوی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۹۱). به همین ترتیب، اسلام نیز سختی‌های زندگی را آزمونی برای ایمان و تقوا می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد که در برابر مشکلات پایداری کرده و به راه‌های فرارآمیز مانند خودکشی یا مرگ خودخواسته تن نسیارند (منسکی و دیگران، ص ۴۴۳). در حوزه مشروعیت اخلاقی و شرعی، اتانازی در هر دو مکتب فاقد مشروعیت شناخته شده است. در بودیسم، اقدام به تسریع مرگ با اصول اخلاقی بنیادین در تعارض است و می‌تواند پیامدهای سنگین معنوی به دنبال داشته باشد (موسوی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۹۱). در اسلام نیز بر اساس اصول فقهی، اتانازی تحت عنوان حرمت قتل نفس شناخته می‌شود و صرف رضایت بیمار یا سختی‌های ناشی از بیماری مجوزی برای پایان دادن به حیات او محسوب نمی‌شود. فقه اسلامی بر این نکته تأکید دارد که حرمت قتل نفس حکمی الهی است و قابل اسقاط نیست، حتی اگر شخص مقتول راضی به این کار باشد (رمشی، مهرابی‌راد، تاج‌الدینی، ۱۳۹۶: ۱۳).

در مجموع، دیدگاه اسلام و بودیسم در مسئله مرگ بی‌درد، با وجود تفاوت‌هایی در مبانی فلسفی خود، در نتیجه نهایی همسو بوده و بر قداست و اهمیت حفظ حیات، رد مداخله انسانی در مرگ، و پذیرش طبیعی رنج و مرگ تأکید دارند.

تفاوت‌ها

ازدواج

در بررسی دیدگاه اسلام و بودیسم درباره ازدواج، اولین تفاوت بنیادین به ماهیت ازدواج بازمی‌گردد. در اسلام، نکاح یک قرارداد اجتماعی با تأیید الهی است و از نظر شرعی، قانونی و اجتماعی رسمیت دارد در حالیکه که در بودیسم، ازدواج بیشتر جنبه فرهنگی و قانونی دارد و فاقد

آیین مذهبی خاص است. این تفاوت نشان می‌دهد که اسلام برای ازدواج، جایگاهی فراتر از یک نهاد مدنی قائل است، در صورتیکه بودیسم آن را امری اجتماعی و سکولار تلقی می‌کند. تفاوت دیگری که میان این دو سنت دینی در رابطه با نقش معنویت و رسیدن به کمال معنوی (نیروانا) در بستر ازدواج دیده می‌شود آن است که در اسلام، ازدواج نه تنها مانع معنویت نیست، بلکه آن را تسهیل می‌کند؛ زیرا ساختار خانوادگی را بستری برای رشد اخلاقی، عاطفی و دینی می‌داند. در مقابل، در بودیسم تراوادا، تمرکز بر مسائل روحانی با وجود مسئولیت‌های خانوادگی دشوار تلقی می‌شود، حال آنکه در مکتب مهاییانا، خوش‌بینی بیشتری نسبت به امکان رسیدن مرد خانواده به نیروانا وجود دارد. این تمایز نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت به امکان همزیستی تعهدات خانوادگی و تعالی روحانی است (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱).

در حوزه تشریفات و آیین‌های ازدواج نیز تفاوت روشنی وجود دارد. در اسلام، بر سادگی مراسم ازدواج تأکید شده و با آن که شکل خاصی ندارد، پرداخت مهریه جزء لاینفک این پیوند است. در بودیسم، مراسم دینی مشخصی برای ازدواج وجود ندارد، اما متونی برای تبرک بعد از ازدواج قانونی خوانده می‌شود (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲). در نتیجه، می‌توان گفت در اسلام، عنصر مذهبی حتی در جزئیات قرارداد نکاح حضور دارد، در حالی که بودیسم چنین حضوری را الزامی نمی‌داند.

از منظر جایگاه زن در ساختار ازدواج نیز دو دین تفاوت‌هایی دارند. در اسلام، زن با حفظ حقوق فردی خود وارد رابطه زناشویی می‌شود و از نظر شخصیت و مسئولیت در برابر خدا با مرد برابر است. در حالی که در بودیسم، اصول رفتاری مشخصی برای زن و شوهر تعیین شده که وظایف هر یک را تعریف می‌کند، اما بحث برابری شخصیتی به صراحت دیده نمی‌شود. این تفاوت نشان می‌دهد که اسلام نگاه حقوقی و الهیاتی واضح‌تری نسبت به شأن زن در خانواده دارد.

در نهایت، تفاوت در کارکرد اجتماعی ازدواج نیز مشهود است. در اسلام، ازدواج موجب آرامش روحی و اجتماعی، جلوگیری از ناآرامی روانی و احساس مسئولیت در جامعه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۲). اما در بودیسم، کارکرد اجتماعی ازدواج چندان برجسته نیست و بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی و درونی تأکید شده است. این امر بازتاب‌دهنده نوع نگرش درون‌گرایانه بودیسم و در مقابل، نگاه ساختاری و جامعه‌محور اسلام به نهاد ازدواج است.

خانواده

نهاد خانواده در اسلام جایگاهی مقدس و اساسی دارد و به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، پایگاه تربیت نسل و انتقال ارزش‌های دینی شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲. ۱۰۲). در مقابل، در آیین بودیسم، به‌ویژه در شاخه تراوادا، تأکید اصلی بر رهایی فردی از چرخه تولد و مرگ (سامسارا) است و زندگی مجردانه و رهبانیت، راه مطلوب برای نیل به نیروانا تلقی می‌شود (Rahula, ۱۹۷۴, p. ۸۵). در نتیجه، خانواده در بودیسم بیشتر یک ساختار عرفی تلقی شده و تقدسی مشابه آن‌چه در اسلام دیده می‌شود، ندارد (Keown, ۲۰۰۵, p. ۴۷). درحالی که در اسلام وظایف متقابل زن و شوهر با تأکید بر محبت، مسئولیت‌پذیری و تعهد مشخص شده است

(سبحانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۷۴)، بودیسم بیشتر بر دلسوزی (کارونا) و پرهیز از دلبستگی به روابط خانوادگی تأکید دارد (Harvey, ۲۰۰۰, p. ۱۳۹). تربیت فرزند در اسلام وظیفه‌ای الهی محسوب می‌شود، در حالی که در بودیسم پرورش فرزند بیشتر به عنوان عملی کارمایی تلقی می‌گردد که وابسته به نتایج اعمال گذشته والدین است (Gyatso, ۱۹۹۵, p. ۵۹). این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت مبانی هستی‌شناختی و غایت‌شناختی دو دین است: در اسلام، خانواده راهی به سوی قرب الهی است، اما در بودیسم، نهایت غایت، رهایی از هرگونه وابستگی می‌باشد.

انحلال نکاح

در اسلام، ازدواج یک پیمان حقوقی مقدس است، اما در شرایط خاص، انحلال آن از طریق طلاق مجاز شمرده شده و مقررات دقیق شرعی برای آن وضع شده است (مطهری، ۱۳۶۰، ص. ۲۳۵). طلاق در اسلام عملی مبعوض اما گاهی اجتناب‌ناپذیر دانسته می‌شود و با رعایت اصولی مانند عده، شاهد و طهارت زوجه انجام می‌گیرد (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۹۱). در مقابل، در آیین بودیسم، به‌ویژه در سنت تراوادا، ازدواج به عنوان قراردادی عرفی تلقی می‌شود و انحلال آن نیز بیشتر جنبه عرفی دارد تا دینی (Keown, ۲۰۰۵, p. ۴۹). بودیسم اصول کلی اخلاقی مانند پرهیز از آسیب‌رساندن (ahimsā) را در زندگی زناشویی توصیه می‌کند، اما برای طلاق چارچوب شرعی الزام‌آوری قائل نیست (Harvey, ۲۰۰۰, p. ۱۴۵). در دیدگاه بودایی، چنانچه یکی از طرفین احساس رنج یا وابستگی شدید کند که مانع رشد معنوی او باشد، پایان دادن به رابطه مجاز و حتی مطلوب تلقی می‌شود (Rahula, ۱۹۷۴, p. ۹۳). این در حالی است که در اسلام، طلاق آخرین راه‌حل پس از تلاش برای اصلاح و صلح میان زوجین معرفی شده است (قرآن، ۴:۳۵). چنین می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت اساسی در مبنای انحلال نکاح میان دو دین، در نگاه قدسی اسلام به ازدواج و نگاه غیردینی و فردگرایانه بودیسم به آن ریشه دارد.

سقط جنین

سقط جنین نیز میان اسلام و بودیسم از منظر مبانی دینی، اخلاقی و حقوقی دارای تفاوت‌هایی است. در اسلام، منابع احکام در این حوزه عمدتاً آیات قرآن، فقه اسلامی و اجماع فقهاست؛ برای مثال، آیه ۳۱ سوره اسراء به نهی از کشتن فرزندان به دلیل فقر اشاره دارد و در فقه اسلامی نیز احکام مربوط به دیه و ارث جنین به تفصیل بیان شده است (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۷). در مقابل، بودیسم بر اصول اخلاقی همچون پرهیز از خشونت (اهیمسا)، آموزه کارما و شفقت (کارونا) تأکید دارد و مشروعیت یا عدم مشروعیت سقط را بر اساس پیامدهای معنوی آن برای فاعل و جنین می‌سنجد (پاشایی، ۱۳۸۰؛ شجاعی، ۱۳۹۳). از منظر کارمایی، گرفتن جان -پیش از تولد- بار معنوی خاصی دارد که تنها در صورت نیت نیک ممکن است تعدیل شود (شجاعی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۳). در اسلام، بیشتر بر حرمت شرعی، گناه بودن و مجازات دنیوی و اخروی تأکید شده و ضمانت‌های حقوقی دقیقی در فقه اسلامی پیش‌بینی گردیده است.

در موارد استثنایی، مانند تهدید جان مادر، فقه اسلامی با دقت شرایطی را برای مجاز بودن سقط تعیین کرده است؛ به طوری که این عمل تنها در موارد خاصی مانند خطر جدی برای مادر مجاز

شمرده می‌شود (نیکزاد و دیگران، ۱۳۹۳). در بودیسم، گرچه اصل پرهیز از آسیب بر هر عمل مقدم است، اما در موارد خاص، تصمیم‌گیری به انسان‌های خردمند و رحیم واگذار می‌شود و به‌جای صدور حکم قطعی، رویکردی انعطاف‌پذیر اتخاذ می‌گردد (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۶).

از حیث مناسک پس از سقط، اسلام چنین آیین خاصی را پیش‌بینی نکرده و بیشتر بر حرمت فعل و جنبه‌های حقوقی آن تأکید دارد. در مقابل، در آیین بودایی ژاپن، پس از سقط جنین مراسمی چون اهدای هدایا به پدیساتوا «جیزوسانا» و وقف مجسمه‌هایی از جنین برگزار می‌شود که نشانگر احساس مسئولیت و جبران کارمایی است (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۶). همچنین در اسلام، انگیزه‌هایی مانند ترس از فقر، بارداری ناخواسته یا روابط نامشروع، به‌صراحت و شدت محکوم شده و سقط جنین در این زمینه‌ها امری ناپسند و خلاف فطرت معرفی شده است (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۷)، در حالی که در بودیسم، ارزیابی عمل بیشتر به نیت و درک فردی واگذار شده و احکام سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود ندارد. این تفاوت‌ها، ریشه در تفاوت مبانی انسان‌شناختی، غایت‌شناسی و نظام حقوقی دو دین دارد.

مرگ بی‌درد

اتانازی یا مرگ بی‌درد، یکی از مباحث مهم اخلاق زیستی است که اسلام و بودیسم درباره آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. در مبنای فلسفی، بودیسم مرگ را جزئی از چرخه طبیعی تناسخ (سمسارا) می‌داند و با اتانازی مخالفت می‌کند، چرا که این اقدام می‌تواند پیامدهای منفی کارمایی داشته باشد و وضعیت ذهنی فرد در لحظه مرگ بر تولد بعدی او تأثیرگذار است (موسوی و جهانگیری، ۱۳۹۷، ص. ۹۱). در مقابل، اسلام مرگ را امری مقدر از سوی خداوند می‌داند و بر این باور است که زندگی انسان هدیه‌ای الهی است که بشر حق ندارد خودسرانه به آن پایان دهد (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۴۴۳).

از منظر نیت، در بودیسم نیت فرد نقش مهمی در ارزیابی اخلاقی عمل دارد؛ یعنی اگر اتانازی ناشی از ترحم و شفقت باشد، با نیتی مثبت تلقی می‌شود، هرچند این نیت مثبت لزوماً اثرات کارمایی منفی را از بین نمی‌برد. در حالی که در اسلام، نیت نمی‌تواند مشروعیت‌بخش عمل قتل باشد؛ هرگونه پایان دادن به حیات - با نیت ترحم‌آمیز - حرام است و از نظر فقهی مردود شمرده می‌شود (رمشی، مهرابی‌راد و تاج‌الدینی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳).

در باب رنج، بودیسم آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی می‌داند که باید با پذیرش، آگاهی و شفقت با آن مواجه شد، نه از آن گریخت. در مقابل، اسلام نگاه تکلیف‌محور به رنج دارد و آن را آزمونی الهی برای ایمان و صبر انسان می‌داند. بر اساس این دیدگاه، فرد مؤمن باید با توکل و امیدواری، رنج را تحمل کند و آن را فرصت تطهیر روح بداند (منسکی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۴۴۳).

از نظر فقهی و حقوقی، بودیسم چارچوب مشخص قانونی برای اتانازی ندارد و بیشتر به تأثیرات معنوی و فردی این عمل از نظر کارما و چرخه زندگی توجه دارد. اما در اسلام، فقه اسلامی اتانازی

را قتل عمد می‌داند حتی اگر با رضایت فرد باشد؛ زیرا در فقه اسلامی اذن مقتول مجوز قتل محسوب نمی‌شود. این حکم، اگرچه در فقه مذاهب اهل سنت در نوع مجازات (قصاص یا دیه) اختلاف نظر دارد، اما اصل حرمت قتل ثابت است (موسوی بجنوردی و رضوی نیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۹). در میان فقهای اهل سنت نیز در موضوع اتانازی در رابطه با فردی که درخواست می‌کند که دیگری او را بکشد و آن فرد نیز اقدام به کشتن وی بکند، سه قول وجود دارد:

۱. این عمل خودکشی و انتحار نبوده و قاتل باید دیه مقتول را از مالش بپردازد، هرچند که قصاص نمی‌شود (مغربی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۳۵؛ زیلعی، ۱۳۱۲، ج ۵: ۱۹).

۲. این عمل خودکشی نیست، اما قاتل باید قصاص شود؛ زیرا اذن به قتل، مجوز قتل نیست و قصاص هم حق ورثه مقتول است، نه خود مقتول (رافعی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۰).

۳. این عمل خودکشی بوده، قاتل قصاص نمی‌شود؛ زیرا اذن در قتل داشته است و دیه نیز نمی‌پردازد، چرا که دیه متعلق به اذن‌دهنده است (بهوتی، ۱۹۹۶، ج ۳: ۲۵۷؛ زیلعی، ۱۳۱۲، ج ۵: ۱۹۰؛ مغربی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۲۱).

همانطور که در اقوال مشاهده می‌شود مرگ بی‌درد و یا اتانازی توجیهی در اسلام نداشته و قتل به حساب می‌آید. بنابراین، اسلام با رویکردی تکلیف‌مدار و با تأکید بر قداست حیات، به‌طور صریح با اتانازی مخالفت می‌کند، در حالی که بودیسم با رویکردی معنوی و وابسته به نیت، این موضوع را پیچیده‌تر و در مواردی قابل تأمل می‌بیند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای مبانی ازدواج سقط جنین و مرگ بی‌درد در دو دین اسلام و بودیسم پرداخته و تلاش کرده با تحلیل مبانی این دو دین نقاط مشترک و تفاوت‌های اساسی آنها را روشن سازد در ابتدا توجه به ازدواج و خانواده به عنوان یک نهاد بنیادین اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. ازدواج در اسلام و بودیسم دارای جایگاه ویژه‌ای است اما تفاوت‌های مهمی در تعریف هدف و رویکرد این دو دین در قبال ازدواج وجود دارد. در اسلام ازدواج پیمان مقدسیست میان دو فرد و بستری برای آرامش کمال و رشد اخلاقی و اجتماعی زوجین است. اما در بودیسم ازدواج بیشتر به عنوان یک قرارداد اجتماعی مورد احترام است و کمتر بر قداست آن تأکید می‌شود. این اختلافات به ریشه‌های معنوی و فلسفی هر دین باز می‌گردد. در این مقاله سقط جنین و مرگ بی‌درد نیز مورد بررسی قرار گرفته است که هر دو از چالش برانگیزترین مسائل اخلاقی و دینی در دنیای معاصر به شمار می‌روند. در اسلام حیات انسان از لحظه بستن نطفه به عنوان یک امانت الهی محترم شمرده می‌شود و به همین دلیل در راستای حمایت از کرامت انسان و قداست حیات سقط جنین در اسلام ممنوع می‌باشد؛ در مقابل بودیسم نیز با استناد به اصول فلسفی خود سقط جنین را به طور کلی رد می‌کند اما در شرایط خاص آن را می‌پذیرد در مورد مرگ بی‌درد نیز اسلام و بودیسم هر دو به قداست حیات باور دارند و هرگونه مداخله‌ای که به تسریع مرگ منجر شود را رد می‌کنند. اسلام بر این باور است که سختی‌های زندگی آزمون‌های الهی برای سنجش انسان‌ها هستند و انسان‌ها باید با خوشبینی برنامه‌ریزی و

۳۵ مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اسلام و بودیسم درباره ازدواج، سقط جنین و مرگ بی‌درد
(فاطمه سادات تولایی)

صبر و امید به آینده از پس مشکلات خود برآیند و هرگز به مرگ فکر نکنند چرا که تنها اوست که می‌تواند لحظه مرگ را تعیین کند. در بودیسم نیز مرگ در مورد سبک زندگی نیز هر دو دین به اهمیت خانواده محبت به والدین و تربیت فرزندان تاکید دارد. در اسلام خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است و وظایف و مسئولیت‌هایی را هر یک از اعضای خانواده در بودیسم خانواده محل عشق و حمایت متقابل است اما تاکید بیشتری بر آزادی در بودیسم مطرح می‌شود اسلام با تاکید بر ارتباط انسان با خدا و تعهدات اخلاقی و اجتماعی به دنبال ارائه راهی جامع برای زندگی دنیوی و اخروی است در مقابل بودیز نیز با تاکید بر آگاهی درونی کارما و تناسخ مسیری برای کاهش رنج و دستیابی به آرامش ذهنی را فراهم می‌آورد چنین تفاوت‌ها و شباهت‌هایی نه تنها بیانگر غنای هر دو دین است بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای گفتگو و تبادل نظر میان پیروان آنان را فراهم آورد. در دنیای پر چالش معاصر، مطالعه تطبیقی این دو مکتب فکری می‌تواند به تقویت تفاهم فرهنگی و دینی و ایجاد بستر و زمینه‌ای برای همزیستی مسالمت آمیز کمک شایان و درخور توجهی کند.

منابع

- [۱] القرآن الکریم
- [۲] امیریان زاده، منصوره، امیریان زاده، مژگان، ۱۳۸۴، ازدواج از دیدگاه اسلام، همایش ضرورت گسترش مفاهیم قرآن کریم.
- [۳] آقامجیدی، محمد، ۲۰۲۰، نقش انطباق با شرایط زمان و مکان در پویایی فقه شیعه. مجله KOM، ۱۹، ۷۱-۸۵. بازیابی از: <https://www.researchgate.net/publication/344599680>
- [۴] آیا قرآن هنوز برای امروز کاربرد دارد؟ جهانی بودن همیشگی آموزه‌های قرآنی. بازیابی از: <https://yaqeeninstitute.org/read/paper/is-the-quran-still-relevant-today-the-timeless-universality-of-quranic-teachings>
- [۵] بهوتی، منصور بن یونس، ۱۹۹۶، شرح منتهی الارادات، انتشارات عوامل الکتب للطباع و النشر.
- [۶] پاپادی‌میترو، ج. د، اسکیداس، پ.، ماوران‌نویس، ک. س.، و همکاران. (۲۰۰۷). اوتانازیا و خودکشی در دوران باستان: دیدگاه نمایش‌نامه‌نویسان و فیلسوفان. مجله انجمن سلطنتی پزشکی، ۱۰۰(۱)، ۲۵-۲۸.
- [۷] تیموری، علی، ۲۰۱۸، اجتهاد در تشیع دوازده‌امامی: تفسیر و کاربرد فقه اسلامی در زمینه تحولات جوامع مسلمان، بازیابی از: <https://ijtihadnet.com/ijtihad-twelve-shiism-interpretation-application-islamic-law-context-changing-muslim-society>
- [۸] جعفری، حسین علی، ۱۳۹۲، زن، خانواده و ازدواج در آیین بودا، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، ۶۷-۸۴.
- [۹] دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۰] رافعی، عبدالکریم بن محمد، بی‌تا، شرح الکبیر، بیروت: دارالفکر.
- [۱۱] رمشی، مهدیه، مهرابی راد، لیلا، تاج‌الدینی، معصومه، ۱۳۹۶، بررسی اتانازی در فقه، حقوق و اخلاق، نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۶۱-۷۶.
- [۱۲] زیلعلی، فخرالدین عثمان بن علی، ۱۳۱۲ق، تبیین الحقائق فی شرح کنز الدقائق، قاهره: دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۳] سبحانی، جعفر. ۱۴۲۳ق، نگاهی گذرا به حقوق زن در اسلام. قم: مؤسسه امام صادق.
- [۱۴] سلیمی، مهدی، بهرامی کوتنایی، لیلا، عبدی حسین آبادی، وحید، ۱۳۹۵، بررسی سقط جنین از منظر اسلام، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۳/۱، ۱۳۴-۱۴۰.
- [۱۵] شجاعی، علیرضا، ۱۳۹۳، بنیادهای اخلاق بودایی و الگوهای غربی، ۶، ۱۱۹-۱۴۴.
- [۱۶] شجاعی، علیرضا، ۱۳۹۶، آیین بودا و اخلاق سقط جنین، پژوهشنامه ادیان، ۲۱، ۳۱-۵۷.
- [۱۷] ع. پاشایی، راه آیین (دمه پده)، ۱۳۸۰، تهران، قطعه ۱-۲۰.
- [۱۸] قلیچ‌لی، انسبه، ۱۳۹۴، محبت و مهرورزی زیربنای تحکیم خانواده، تهران: انتشارات دارالفنون.
- [۱۹] مطهری، مرتضی، ۱۳۶۰، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- [۲۰] معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

۳۷ مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اسلام و بودیسم درباره ازدواج، سقط جنین و مرگ بی‌درد
(فاطمه سادات تولایی)

- [۲۱] مغربی، عبدالرحمن، ۱۴۱۲ق، مواهب الجلیل فی شرح مختصر الشیخ خلیل، بیروت: انتشارات دارالفکر، چاپ سوم.
- [۲۲] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- [۲۳] منسکی، و.، مورگان، پ.، نسبیت، ا.، واتون، ک.، شانون، ت.، و ابن علی، م.، ۱۴۰۰، اخلاق در شش دین جهان (چاپ چهارم). تهران: انتشارات اطلاعات.
- [۲۴] موسوی بجنوردی، سید محمد، رضوی نیا، مریم، ۱۳۹۳، اتانازی در فقه و حقوق اسلامی با محوریت آرای امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی پژوهشی امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۵۰-۲۱.
- [۲۵] موسوی، ع.، و جهانگیری، ج. (۱۳۹۷). بازنمایی مرگ در آیین بودایی. فصلنامه مطالعات شبه قاره، ۱۰ (۳۴)، ۸۷-۱۰۸.
- [۲۶] میرگرگی، سیده معصومه، ۱۴۰۰، هدف از ازدواج در نگرش اسلامی، دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، ۶، ۲۵-۴۴.
- [۲۷] نیکزاد، عباس، و جرسرایی، غلامعلی، (۱۳۹۳). بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی. مجله اسلام و سلامت، ۱، ۲۹-۳۷.
- [28] Brill. (۲۰۲۳). Chapter ۱۱ Tradition, Habitat, and Well-Being: Polygamous Marriage in a Tibetan Village. In Rural Life in Late Socialism. Retrieved from <https://brill.com/display/book/۹۷۸۹۰۰۴۵۲۸۰۶۲/BP۰۰۰۰۲۰.xml>
- [29] Buddhism Info. (n.d.). Buddhist Views on Marriage and Divorce. Retrieved from <https://buddhism.info/buddhist-views-on-marriage-and-divorce/>
- [30] Covell, S. (۲۰۰۵). Neither Monk nor Layman: Clerical marriage in modern Japanese Buddhism. University of Hawaii Press.
- [31] Drishti Judiciary. (n.d.). Kinds of Divorce under Muslim Law. Retrieved from <https://www.drishtijudiciary.com/to-the-point/ttp-muslim-law/kinds-of-divorce-under-muslim-law>
- [32] -Gethin, Rupert, (۱۹۹۸). The foundations of Buddhism. Oxford University Press.
- [33] Gyatso, T. (۱۹۹۵). The Meaning of Life from a Buddhist Perspective. Boston: Wisdom Publications
- [34] Harvey, P. (۲۰۱۳). An Introduction to Buddhism: Teachings, History and Practices. ۲nd ed. Cambridge: Cambridge University Press
- [35] Harvey, Peter, (۲۰۰۰). An introduction to Buddhist ethics: Foundations, values and issues. Cambridge University Press.
- [36] Iqbal, Muhammad, (۲۰۰۲). Islamic family law. International Institute of Islamic Thought.

- [37] Keown, Damien, (۲۰۰۵). Buddhism and bioethics. Palgrave Macmillan.
- [38] Nasr, Seyyed, Hossein, (۲۰۰۲). The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity. HarperOne
- [39] Perrett, R. W. (۱۹۹۶). Buddhism, euthanasia and the sanctity of life. Journal of Medical Ethics, ۲۲(۵), ۳۰۹-۳۱۳.
<https://www.jstor.org/stable/۲۷۷۱۷۸۲>.
- [40] Rahula, Walpola, (۱۹۷۴). What the Buddha taught. Grove Press.
- [41] Stott, David (۱۹۸۶). A circle of protection for the unborn, Bristol.
- [42] WeChronicle. (۲۰۲۴). Examining the Impact of Buddhism on Family Life in Ancient East Asian Societies: Monasticism, Rituals, and Ancestor Veneration. Retrieved from
<https://wechronicle.com/family/examining-the-impact-of-buddhism-on-family-life-in-ancient-east-asian-societies-monasticism-rituals-and-ancestor-veneration/>
- [43] Wilson, L. (۲۰۱۴). Family in Buddhism. State University of New York Press.